



A Comparative Study of the Role of Literary Preferences and Context of Readings in Tabarsi's Majma al-Bayan and Farra's Ma'ani al-Quran with an Explanation of the Exegetic Effect in Related Verses

Hadi Hujjat* | Muhammad Rezā Gharibi**

Received: 2022/4/15 | Correction: 2022/6/5 | Accepted: 2022/9/28 | Published: 2022/12/21

Abstract

Among the books of Quranic readings and Quranic sciences and exegesis, there are different indicators to determine the preference of popular readings over each other; indicators that the scholars of this field have always used in reasoning throughout the history of this science. One of the most important indicators is that the readings are in Arabic. Adhering to the common laws of Arabic usage and syntax, eloquence and rhetoric are counted as some of the criteria for deciding Arabicness.

When counting the aspects of the preference of readings over the Hafs Reading, the aspect that is most statistically preferred is the one related to literary preference based on indisputable Arabic laws, in the sense that in numerous instances, another reading in terms of Arabicness is preferred over the Hafs reading. Similarly, a study of the context of verses in some instances expresses the preference of other readings over the Hafs one. These preferences have also led to differences in the exegetic views of interpreters. The focus of this article is to study the aspects of preference and analysis of some of the instances based on the views of Tabarsi and Farra in comparison to other Sunni and Shiite exegetes. Some of the results of this research include: resolving some of the problems in justifying the literary aspect of verses in exegesis considering other popular readings, explaining the semantic aspect more clearly in exegesis, the academic acceptance of both the Sunnis and Shias in this aspect, etc.



Keywords: readings, Hafs reading, literary preference, reading preference, context.

* Associate Prof., Quran and Hadith University (corresponding author), Tehran, Iran | hojjat.h@qhu.ac.ir

** Ph.D. candidate, Quran and Hadith Sciences, Quran and Hadith University, Tehran, Iran | gharib.mr@gmail.com

■ Hujjat, H, Reza Gharibi, M. (2022) A Comparative Study of the Role of Literary Preferences and Context of Readings in Tabarsi's Majma al-Bayan and Farra's Ma'ani al-Quran with an Explanation of the Exegetic Effect in Related Verses. *Comparative Interpretation Research*, 8 (6) 260-287 . Doi: 10.22091/PTT.2023.8368.2124.



بررسی تطبیقی نقش مرجحات ادبی و سیاقی قرائت در تفاسیر مجمع‌البیان طبرسی و معانی القرآن فراء با بیان اثر تفسیری در آیات مربوط

هادی حجت * | محمدرضا غریبی **

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۶ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۶ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

چکیده

در بین کتب قرائت و علوم قرآن و تفاسیر، شاخص‌های مختلفی در تشخیص رجحان قرائت‌های مشهور بر یکدیگر وجود دارد؛ شاخص‌هایی که عالمان این فن در طول تاریخ این علم همواره بدان‌ها استدلال کرده‌اند. عربیت قرائت، از مهم‌ترین این شاخص‌هاست. همراهی با قواعد مشهور صرف و نحو، افصح بودن و بلاغت که ذیل مباحث ادبی قرار می‌گیرد، از ملاک‌های تشخیص عربیت به حساب می‌آید. در شمارش وجوه رجحان قرائت بر قرائت حفص، بیش‌ترین وجه از حیث آماری، متعلق به رجحان ادبی بر اساس قواعد مسلم عربی است؛ به این معنا که در موارد متعددی، قرائت دیگری نسبت به حفص از حیث عربیت، رجحان دارد. همچنین بررسی سیاق آیات نیز در مواردی، بیانگر رجحان قرائت دیگر بر قرائت حفص است. این ترجیحات، سبب تفاوت در انتظار تفسیری مفسران نیز شده است. بررسی این وجه رجحان و تحلیل برخی از موارد بر اساس دیدگاه امین الاسلام طبرسی و فراء با نگاهی به برخی دیگر از مفسران فریقین، محور این مقاله است. حل برخی معضلات در توجیه وجه ادبی آیات در تفسیر با توجه به قرائت مشهور دیگر، بیان وجه معنایی روشن‌تر در تفسیر، همراهی علمی فریقین در این جهت و... از نتایج این تحقیق است.



واژگان کلیدی: قرائت، قرائت حفص، رجحان ادبی، رجحان قرائت، سیاق.

* دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث، (نویسنده مسئول) | hojjat.h@qhu.ac.ir

** دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث | gharib.mr@gmail.com

□ حجت، هادی؛ غریبی، محمدرضا. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی نقش مرجحات ادبی و سیاقی قرائت در تفاسیر مجمع‌البیان طبرسی و معانی القرآن فراء با بیان اثر تفسیری در آیات مربوط. پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۸ (۱۶)، ۲۸۷-۲۶۰

Doi: 10.22091/PTT.2023.8368.2124.۲۶۰

مقدمه

پس از پذیرش این پیش فرض که هیچ کدام از قرائات متواتر نیستند (نک. مؤدب و محمدی فرد، ۱۳۹۳، شماره ۲؛ کاظمی، ۱۳۹۳، شماره ۳؛ مؤدب و سجادی، ۱۳۹۸، شماره ۱۳) و هیچ کدام در طول تاریخ، مزیت ویژه‌ای نداشته‌اند که آن مزیت به ترجیح کامل آن بر قرائت دیگری بینجامد، می توان به بررسی ملاکات رجحان قرائات پرداخت و در مقام بیان اولویت، قرائتی را به عنوان قرائت برتر انتخاب نمود که به شاخص‌ها نزدیک تر است. البته بررسی اجتهادی قرائات، نیازمند وجود شاخص‌هایی است که بتواند در مقام سنجش و محک، بیانگر وجه برتری و امتیاز یک قرائت باشد.

با توجه به شهرت قرائت حفص از عاصم در دوره کنونی، تمرکز مباحث این پژوهش بر استخراج و تبیین وجوه رجحان - هرچند اندک - سایر قرائات بر این قرائت است؛ البته در خلال مباحث، گاه به قرائات غیر حفص نیز اشاره شده است. شاخص‌های کلی پذیرش قرائت در مورد همه قرائت‌های رایج و مشهور مدنظر قدا ما بوده است؛ شاخص‌هایی نظیر فصاحت، رعایت عربیت، قواعد تجویدی و... که عمدتاً ناظر به رجحان ادبی قرائت هستند.

در این مقاله، با بررسی آیاتی که صرفاً مشتمل بر وجهی از وجوه رجحان ادبی و سیاقی هستند، به انتخاب قرائت اصح یا افصح خواهیم پرداخت. مراد از رجحان ادبی، هرگونه امتیازی است که از حیث دستور زبان عربی اعم از صرف، نحو، فصاحت و بلاغت در کلام وجود دارد و غالب اهل فن به این امتیاز اذعان نموده‌اند. رجحان سیاقی هم عبارت از قرائتی است که با سیاق آیات دیگر کتاب الله هماهنگ تر است.

به منظور استخراج موارد مذکور، مجمع‌البیان امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۸ ق) و معانی القرآن فراء (م ۲۰۷ ق) از مفسران فریقین که به موضوع قرائات در تفاسیر عنایت داشته‌اند، مبنای تحقیق و بررسی قرار گرفت. البته برخی از کتب دیگر تفسیری اهل سنت نظیر آثار فراء (م ۲۰۷ ق)، طبری (م ۳۱۰ ق)، نحاس (م ۳۳۸ ق) و فخرالدین رازی (م ۶۰۶ ق) هم مطالعه و به آن‌ها رجوع شد. احصای موارد مهم از اختلاف قرائات، این نتیجه را به همراه دارد که ترجیح ادبی قرائات بر قرائت حفص، از حیث آماری بر سایر مرجحات نظیر فقهی و کلامی برتری تقریبی دو برابری دارد.

روش تحقیق چنین است که ابتدا آیه را مطرح کرده، سپس به اختلاف قرائت با ذکر قاری می‌پردازیم و در ادامه، به بررسی اختلاف و بیان مرجحات مختلف بر اساس دیدگاه طبرسی و مقایسه با دیدگاه برخی عالمان اهل سنت در قرائت خصوصاً فراء خواهیم پرداخت؛ همچنین به مواردی پرداخته‌ایم که این اختلاف قرائات در تفسیر آیه نقش داشته است.

آیات

*ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ...» (بقره/۸۵).

طبرسی در مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۱۵۲)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

«تَظَاهَرُونَ» (با تخفیف ظاء): قرائت قاریان کوفه؛

«تَظَاهَرُونَ» (با تشدید ظاء): قرائت دیگر قاریان؛

«أُسَارَى تُفَادُوهُمْ» (با الف در هر دو کلمه): قرائت نافع، ابوجعفر، عاصم، کسایی و

يعقوب؛

«أُسَرَى تُفَادُوهُمْ» (بدون الف و فتح تاء): قرائت حمزه؛

«أُسَارَى تُفَادُوهُمْ» قرائت ابن کثیر، ابن عامر و ابوعمر و.

طبرسی به نقل از ابوعلی فارسی، قرائت «أُسَرَى تُفَادُوهُمْ» را اختیار می‌کند؛ یعنی در کلمه اول این عبارت، قرائت حمزه را ترجیح داده و در کلمه دوم، قرائت حفص به روایت از عاصم را پذیرفته است. وی می‌گوید:

«دلیل قرائت کسی که «أُسَرَى» می‌خواند این است که این کلمه جمع «اسیر»، بر وزن فعل است، به معنای اسم مفعول، مانند قتل به معنای مقتول و قتلی، جریح و جرحی نیز این گونه هستند. لذا این قرائت، از قرائت «أُسَارَى» بهتر است.»

طبرسی این آیه را طبق قرائت غیر عاصم تفسیر نموده است. طبری نیز در این ترجیح، با طبرسی هم‌نظر است و این قرائت را ترجیح می‌دهد. وی می‌گوید:

«قرائتی که به صواب نزدیک‌تر است، قرائت *و إن یأتوکم أَسْرٰی* است، زیرا وزن "فُعَالٰی" در جمع "فَعِل" در زبان عرب مشهور نیست».

فراء متعرض اختلاف این آیه نشده است. این اختلاف قرائت در منابع دیگری به شرح ذیل آمده است:

اخفش، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۱۹۵؛ ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۶۳؛ ابوزرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۰۴؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۱۳۱؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۱۶؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۷ و ۸۴؛ نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۶۵؛ زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۱، ص ۱۶۶؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۴؛ دانی، ۱۴۰۶ ق، ص ۶۱؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۲، ص ۴۰؛ میدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۲۶۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۱۶۰؛ قاضی عبدالفتاح، ۱۴۲۶ ق، ص ۳۴؛ عکبری، ۱۴۳۱ ق، ج ۱، ص ۸۷؛ قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۱، ص ۱۷۸.

۱. *أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْزِئِينَ وَالضَّرَاءُ وَ زُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهَ إِلَّا إِنَّا نَصُرُ اللَّهَ قَرِيبٌ* (بقره/۲۱۴).

شیخ طبرسی در مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۳۰۷) اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

«حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ» (به رفع یقول): قرائت مجاهد و نافع. در این قرائت فعل بعد از «حَتَّى» برای زمان حال است که به دو شکل واقع می‌شود:

الف) سبب در زمان گذشته واقع شده و مسبب (فعل دوم) هنوز زمان آن نگذشته است مانند «مَرَضَ حَتَّى لَا يَرْجُوهُ»؛

ب) زمان هر دو فعل گذشته است مانند «سَرْتُ حَتَّى أَدْخُلَهَا». در این مثال دخول متصل به سیر است بدون این که فاصله بین آن‌ها باشد. لذا این قرائت بنا بر «حَالِ محکیه» است. حال برحسب زمان به سه قسم تقسیم می‌شود:

–مقارنه: برای زمان حال؛

– مقدره: برای دلالت بر زمان استقبال؛

– محکیه: برای دلالت بر زمان ماضی مانند «جاء زید أمس راکباً». (ابن هشام، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۱)

در زبان عربی هنگامی که فعلی در زمان گذشته اتفاق می‌افتد، حال محسوب نمی‌شود و فعل مرفوع شده و «حتی» از حروف استیناف است.

«حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ» (به نصب یقول): قرائت دیگر قاریان.

«حتی» در دو صورت فعل بعد از خود را منصوب می‌کند:

الف) به معنای «إلى» باشد؛ همان‌گونه که در آیه فوق به همین معناست.

ب) به معنای «کی» باشد مانند «أَسْلَمْتُ حَتَّى ادْخَلَ الْجَنَّةَ». تقدیر عبارت «کی ادْخَلَ الْجَنَّةَ». به این معنا که اسلام واقع شده ولی دخول در بهشت هنوز واقع نشده است. (نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۱۰۷)؛ بنابراین اگر فعل بعد از «حتی» منصوب باشد، «حتی» جاره بوده و «أن» ناصبه را در تقدیر دارد. «أن» مقدره و فعل منصوب بعد از آن در محل جر هستند.

طبرسی وجه رفع را برمی‌گزیند: «حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ» و معتقد است این وجه با معنای آیه هماهنگی بیش‌تری دارد؛ زیرا معنای «زَلُّوا» مربوط به زمان گذشته است تا این که رسول (ص) در زمان حال فرمود: «مَتَى نَصْرُ اللَّهِ» و این حکایت حال می‌باشد مانند *فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ...* (قصص/۱۵)؛ بنابراین طبرسی در این آیه، قرائت نافع را اختیار نموده است؛ اما عبارت فراء حاکی از این است که وی قرائت رفع را مرجوح می‌داند:

«وإنما رفع مجاهد لأن فعل يحسن في مثله من الكلام كقولك: زلزلوا حتى قال الرسول؛ وقد كان الكسائي قرأ بالرفع دهرًا ثم رجع إلى النصب؛ وهي في قراءة عبد الله: "وزلزلوا ثم زلزلوا" ويقول الرسول "وهو دليل على معنى النصب". (فراء، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۳)

نحاس در اعراب القرآن نیز این وجه از قرائت را ترجیح داده است (نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۱۰۸)؛ اما طبری در جامع البیان، وجه نصب را اختیار نموده (طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۱۹۹)؛ بنابراین طبری معتقد است: زلزله در این آیه ترس است نه زلزله زمینی، به همین دلیل امتداد دارد.

علمای نحو (نک. عقیلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۲-۳۴۳) می‌گویند: اگر فعل مضارع بعد از «حتی» به معنای استقبال باشد (نسبت به زمان تکلم)، فعل مضارع منصوب به آن مقدره بعد

از حتی می‌باشد؛ ولی اگر فعل مضارع بعد از حتی به معنای حال باشد مرفوع می‌شود، مانند «سرتُ حتی أدخلُ البلد» - اگر این سخن هنگام ورود به شهر گفته شود. ولی در عبارت *لن تنالوا البرَ حتى تنفقوا مما تحبون*، چون فعل مضارع بعد از «حتى» به معنای استقبال است منصوب به آن مقدره می‌باشد.

به نظر می‌رسد فعل مضارع يقول در آیه مورد بحث، مربوط به زمان حال باشد؛ زیرا فرمود: دچار سختی و زیان شدید گشتند و چنان پریشان و لرزان شدند تا جایی که پیامبر خدا و کسانی که به وی ایمان آوردند گفتند: *مَتَى نَصْرُ اللَّهِ*، لذا با توجه به مطالب فوق، چنین به نظر می‌آید که ترجیح طبرسی درست‌تر باشد. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

فراء، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۲؛ ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۸۱؛ ابو زرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۳۱؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۲۳۱؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۱۹۹؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۹۴؛ نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۱۰۷؛ زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۱، ص ۲۸۶؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۸؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۳، ص ۱۸۴؛ میدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۵۶۹؛ سیوطی، ۱۳۱۲ ق، ج ۴، ص ۵۴۷؛ قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۱، ص ۲۹۱؛ دمیاطی، ۱۴۱۹ ق، ص ۱۵۶.

۲. *مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ* (بقره/۲۴۵).

شیخ طبرسی در مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۳۴۸) اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

- «فَيُضَاعِفُهُ» (با الف و رفع فاء): قرائت ابو عمرو، نافع، حمزه و کسایی.

طبرسی به نقل از ابوعلی فارسی گوید:

«قرائت رفع دو دلیل دارد:

الف) عطف بر صله ماقبل. فراء معتقد است در «فَيُضَاعِفُهُ» "فاء" به معنای "الَّذِي" است.

(فراء، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۷)

ب) بنا بر استیناف (ابتدا)؛ بنابراین تقدیر کلام چنین است: «فَهُوَ يُضَاعِفُهُ».

- «فَيُضَاعِفُهُ» (با الف و نصب فاء): قرائت عاصم.

کلام بر معنا حمل شده و تقدیر کلام چنین است: «أَيُّكُونُ قَرْضًا»؛ سپس «فَيُضَاعِفُهُ» بر آن حمل شد. در زبان عرب حمل کلام بر معنا زیاد است. (عقيلي، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۳)
 - «فَيُضَاعِفُهُ» (با تشدید و رفع فاء): قرائت ابوجعفر. قرائت اخير در منابع ديگر به ابن كثير منسوب است. (ابن مجاهد، ۱۴۲۸، ص ۱۸۴؛ ابو زرعه، ۱۴۱۸، ق، ص ۱۳۸؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶، ق، ج ۳، ص ۳۴۳)

- «فَيُضَاعِفُهُ» (با تشدید و نصب فاء): قرائت ابن عامر و يعقوب.

طبرسی بر قرائات شماره ۳ و ۴ استدلالی را ذکر نمی کند. وی به نقل از ابوعلی فارسی، قرائت «فَيُضَاعِفُهُ» با الف و رفع فاء را ترجیح می دهد. به دلیل این که استفهام در آیه از فاعل "اقراض" است و پرسش از خود "اقراض" نیست (طبرسی، ۱۴۲۶، ق، ج ۲، ص ۳۴۸). بنابراین در این آیه، قرائتی غیر از قرائت عاصم ترجیح داده شده است. طبری نیز همین قرائت را اختیار می کند و معتقد است که در این آیه معنای شرط و جزای شرط وجود دارد (طبری، ۱۴۱۵، ق، ج ۲، ص ۳۷۲)؛ اما فراء صرفاً به بیان دو قرائت و وجه آن‌ها اشاره کرده و نسبت به رجحان داوری ننموده است (فراء، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۷). این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

اخفش، ۱۴۲۳، ق، ج ۱، ص ۱۵۵؛ ابن مجاهد، ۱۴۲۸، ق، ص ۱۸۴؛ ابو زرعه، ۱۴۱۸، ق، ص ۱۳۸؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۲، ص ۲۵۹؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴، م، ص ۹۸؛ نحاس، ۱۴۲۱، ق، ج ۱، ص ۱۰۷؛ زجاج، ۱۴۲۸، ق، ج ۱، ص ۳۲۴؛ طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۲۸۵؛ دانی، ۱۴۰۶، ق، ص ۶۵؛ ابوالفتوح، ج ۳، ص ۳۴۳؛ مبدی، ۱۳۷۱، ق، ج ۱، ص ۶۵۸؛ سجستانی، ۱۴۲۳، ق، ص ۹۲؛ قیسی، ۱۳۹۴، ق، ج ۱، ص ۱۰۲.

۳. *لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوْهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* (بقره/۲۸۴).

شیخ طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۲۶، ق، ج ۱، ص ۴۰۱)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می کند:

- «فَيَغْفِرُ... وَيُعَذِّبُ» (رفع در هر دو فعل): قرائت ابن عامر، عاصم، ابوجعفر و يعقوب.

این قرائت بنا بر قطع کلام از ماقبل خود بوده و بر دو وجه قابل تأویل است:
 الف) خبر برای مبتدای محذوف که در این صورت، این قرائت بر سبیل استیناف است؛
 یعنی «إِنْ تُبْدُوا» شرط و «يُحَاسِبُكُمْ» جواب شرط است و در این جا کلام تمام است. آنگاه
 کلام جدید شروع می‌شود، بنا بر این که ضمیری در تقدیر باشد؛ یعنی اصل «فَهُوَ يَغْفِرُ وَ
 هُوَ يُعَذِّبُ» بوده و جمله متشکل از مبتدا و خبر بر جمله فعلیه عطف شده است.
 ب) جمله متشکل از فعل و فاعل، بر ماقبل عطف می‌شود؛ یعنی این جمله بر محل جمله
 ماقبل خود که محل آن ابتدائیت بوده، عطف خورده است.
 - «فَيَغْفِرُ... وَ يُعَذِّبُ» (سکون در هر دو فعل): قرائت دیگر قاریان.

بنا بر تبعیت از کلام قبل است. این قرائت بیش‌تر به کلام عرب شباهت دارد؛ زیرا
 نحویان بیش‌تر در پی مشابهت در کلام هستند. طبرسی بعد از نقل قرائات و استدلال بر هر
 یک، قرائت جزم را اختیار می‌کند. با این استدلال که این قرائت مطابق کلام عرب است. وی
 گوید:

«قرائت با جزم نیکوتر است، بدین جهت که در لفظ مانند کلام ماقبل خود باشد و
 این گونه مشکلات و مشابهت در کلام عرب زیاد است». (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۰۱)
 چنین ترجیحی از قول ابوعلی در کتاب *الحجّه* نیز آمده است. سیبویه، قیسی و ابن کثیر
 نیز قرائت با جزم را اختیار نموده، دلیل آن را اتصال کلام با قبل خود و اتفاق اکثر قراء بر این
 قرائت می‌دانند (سیبویه، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲۳؛ مکی قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۱، ص ۳۲۳؛ ابن کثیر،
 ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۳۴۰). این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۹۵؛ ابو زرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۵۲؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳
 ق، ج ۲، ص ۳۳۷؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۹۴؛ نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۱۴۰، طوسی،
 بی‌تا، ج ۲، ص ۳۸۱؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۴، ص ۱۵۰؛ میدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۷۷۸؛
 زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۳۰؛ سجستانی، ۱۴۲۳ ق، ص ۸۵.

۴. * فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ
 أَسْلَمْتُمْ... (آل عمران/۲۰).

شیخ طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۴۲۲)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می کند:

— «مَنْ اتَّبَعَنِي» (با حذف یاء): قرائت عاصم، کسایی و حمزه؛

— «مَنْ اتَّبَعَنِي» (با اثبات یاء): قرائت دیگر قاریان.

طبرسی قرائت «مَنْ اتَّبَعَنِي» (با اثبات یاء) را اختیار می کند و معتقد است: با وجود این که حذف یاء خوب است حذف نکردن آن بهتر است که در این صورت "یاء" به صورت مفتوح یا ساکن، قابل قرائت است (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۴۲۲)؛ بنابراین در این آیه، قرائتی غیر از قرائت عاصم ترجیح داده شد. فراء معتقد است، عرب «یاء» را در آخر برخی از کلمات به حذف یا اثبات می خواند و کسره، دلالت بر حذف «یاء» دارد. این حذف در باب ندا و منادا بیش تر بوده، ولی در غیر ندا نیز حذف «یاء» از اواخر کلمات وجود دارد، مانند آیه *فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ...* (زمر/۱۷) یا آیه *رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ* (ابراهیم/۴۰) و این حذف بیش تر در کلماتی است که قبل از یاء «نون» نباشد (فراء، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۰ و ۲۰۱). این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

فراء، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۰؛ نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۱۴۸؛ زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۱، ص ۳۸۹؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۴، ص ۲۳۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۳۰؛ ابو زرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۵۸؛ قاضی، ۱۴۲۶ ق، ص ۵۹؛ دمیاطی، ۱۴۱۹ ق، ص ۱۷۲؛ قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۱، ص ۳۷۴.

۵. *وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلَّذِينَ عَقَدْتُ أَيْمَانُكُمْ فَأَتَوْهُمْ نَصِيْبُهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (نساء/۳۳).

شیخ طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۱) اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می کند:

— «عَقَدْتُ» (بدون الف): قرائت اهل کوفه؛

— «عَاقَدْتُ» (با الف): قرائت دیگر قاریان.

طبرسی از ابوعلی فارسی نقل می‌کند که عائد صله بهتر است ضمیر نصبی باشد و تقدیر چنین است: «والذین عاقدتهم ایمانکم حلفهم» که طبق آن «ایمان» در لفظ همان معاقد است و در معنا حالفین است که صاحبان قسم هستند. معنای آیه چنین می‌شود: «والذین عاقدت حلفهم ایمانکم». سپس مضاف حذف شده و مضاف‌الیه جانشین آن گردیده است. لذا قرائت «عاقَدَت» با این معنا سازگاری بیش‌تری دارد؛ زیرا هر یک از هم‌پیمانان سوگندی برای آن پیمان دارد و کسی که «عقدت ایمانکم» قرائت می‌کند، معنای آن «عقدت حلفهم ایمانکم» است و کلمه «حلف» که مضاف است حذف شده و مضاف‌الیه جانشین آن گردیده است. کسانی که «عاقدت» می‌خوانند، کلام را بر لفظ «ایمان» حمل نموده‌اند، زیرا فعل به صاحبان قسم اسناد نشده بلکه به سوگندها یا معاهده‌ها اسناد داده می‌شود (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۱)؛ بنابراین طبرسی در مقام انتخاب قرائتی غیر از قرائت عاصم است و در معنا و تفسیر آیه نیز همین قرائت را انتخاب نموده است. (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۲)

این ترجیح را نحاس نیز دارد. وی می‌گوید:

«حمزه "والذین عقدت ایمانکم" قرائت نموده که این قرائت بعیدی است، زیرا پیمان فقط میان دو نفر به بالا انجام می‌شود و قرائت حمزه مستلزم نادیده گرفتن قواعد زبان عرب است». (نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۲۱۱)

فخرالدین رازی نیز همین قرائت را ترجیح داده، گوید:

«اختیار، قرائت «عاقدت» است؛ زیرا باب مفاعله، بر وقوع سوگند از دو گروه دلالت دارد». (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰، ص ۶۹)

چنین به نظر می‌رسد که چون «عاقدت» باب مفاعله و این باب برای بیان مشارکت است و در این آیه نیز برای هر یک از دو طرف، قسَمی است، لذا قرائت «عاقدت» (قرائت غیر عاصم) که ترجیح طبرسی می‌باشد، درست‌تر است. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده، ولی فراء متعرض اختلاف قرائت در این آیه نشده است:

ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۲۳۳؛ ابو زرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۰۱؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۳۵؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۳۴؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۱۲۳؛ نحاس،

۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۲۱۱؛ طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۳۸۱؛ دانی، ۱۴۰۶ ق، ص ۷۳؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۵، ص ۳۴۶؛ میبدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۷۷۸؛ کلینی، ۱۳۹۱ ق، ص ۸۲؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۲۶؛ ابن جزری، بی تا، ج ۲، ص ۴۹.

۶. *وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ* (اعراف/۱۱۳).

شیخ طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۶۰)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می کند:

«إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا» (با یک همزه بنا بر خبر): قرائت قاریان حجاز و حفص؛

«إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا» (با دو همزه مخفف): قرائت ابن عامر و اهل کوفه به جز حفص؛

«إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا» (با همزه ممدوده): قرائت ابو عمرو. یعقوب نیز به همین صورت قرائت

می کند مگر این که همزه را مد نمی دهد.

طبرسی فقط درباره قرائت دوم استدلال نموده، به نقل از ابوعلی می گوید:

«دلیل بر استفهام در این آیه، قرائت در آیه *فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِن لَّنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ* (شعراء/۴۱) است که تمامی قاریان بر استفهام در آن آیه اجماع نموده اند». طبرسی به نقل از ابوعلی فارسی می گوید:

«استفهام در این آیه مناسب تر است؛ زیرا این افراد از پاداشی که قرار است به آن ها تعلق گیرد سؤال می نمایند و نمی دانند آیا پاداشی به آن ها تعلق می گیرد یا خیر؟» (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۶۰)

شاید به همین دلیل است که برخی در توجیه قرائت با یک همزه برآمده، آن را بنا بر استفهامی مقدر می دانند و تقدیر کلام چنین می شود: اگر بر موسی غلبه کنیم آیا پاداشی به ما خواهی داد؟ بنابراین، در این آیه، روایت ابوبکر شعبه بن عیاش بر روایت حفص از قرائت عاصم ترجیح داده شده و طبرسی همین قرائت را در بخش تفسیر و تبیین آیه لحاظ کرده است. (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۶۱)

فرعون که می گوید: *قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ* (اعراف/۱۱۴ و شعراء/۴۲)، به وضوح پاسخ به یک پرسش است، نه تأکید یک خبر. فخر رازی نیز به نقل از واحدی،

قرائت ابوبکر را ترجیح داده، می‌گوید: «واحدی گوید: استفهام در این آیه مناسب‌تر است، زیرا اینان می‌خواستند بدانند آیا پاداشی به آن‌ها تعلق می‌گیرد یا خیر؟» (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۴، ص ۳۳)

شیخ طوسی در التبیان و ابوالفتوح رازی در روض الجنان نیز از قول ابوعلی فارسی، روایت ابوبکر شعبه بن عیاش از قرائت عاصم را ترجیح داده‌اند. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده ولی فراء متعرض اختلاف قرائت در این آیه نشده است:

ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۲۸۹؛ ابوزرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۹۲؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴، ص ۶۴؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۱۶۱؛ طوسی، بی‌تا، ج ۴ ص ۴۹۸؛ دانی، ۱۴۰۶ ق، ص ۸۱؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۸، ص ۳۳۲؛ میدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۳، ص ۶۹۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۴، ص ۳۳۳؛ اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۱۳۲.

۷. *مَنْ يُصْرِفْ عَنْهُ يُؤْمِدْ فَقَدْ رَحِمَهُ وَ ذَلِكَ الْقَوْلُ الْمُبِينُ* (انعام/۱۶)

شیخ طبرسی در مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۲۸۰)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

«مَنْ يُصْرِفْ» (با فتح یاء و کسر لام): قرائت حمزه، کسائی، خلف، یعقوب و ابوبکر به روایت از عاصم؛

«مَنْ يُصْرِفْ» (با رفع یاء و فتح راء): قرائت دیگر قاریان.

طبرسی به نقل از ابوعلی می‌گوید:

«قرائت "مَنْ يُصْرِفْ" اختیار می‌شود به دلیل این که فعل بعد از آن «فَقَدْ رَحِمَهُ» معلوم بوده و فاعل آن ضمیری است که به «الله» برمی‌گردد و بهتر است که دو فعل اتفاق در اسناد داشته باشند» [یعنی هر دو معلوم باشند و به یک فاعل اسناد شوند]. (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۲۸۰)

طبری نیز این قرائت را در جامع‌البیان اختیار می‌کند. وی معتقد است، به دلیل عبارت «فَقَدْ رَحِمَهُ»، بهتر است فعل به صورت معلوم خوانده شود تا میان دو فعل اتفاق در اسناد باشد.

برای این که اگر قرائت به صورت مجهول درست باشد باید می‌فرمود: "فَقَدْ رَحِمَ"؛ بنابراین معلوم بودن «فَقَدْ رَحِمَهُ» دلیل روشن بر معلوم بودن «مَنْ يُصْرِفْ» است (طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۷،

ص ۱۰۳). شیخ طوسی نیز همین قرائت را اختیار نموده (طوسی، بی تا، التبیان، ج ۴، ص ۹۰)؛ بنابراین در این آیه، روایت ابوبکر از قرائت عاصم بر روایت حفص از قرائت وی ترجیح داده شده، در حالی که نحاس در اعراب القرآن به نقل از سیبویه، قرائت حفص را ترجیح می دهد. وی می گوید:

«سیبویه معتقد است: اختیار قرائت این آیه «مَنْ يُصْرِفْ» به صورت مجهول است، زیرا به اعتقاد وی هراندازه تقدیر در کلام کم تر باشد، بهتر است». (نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۵) این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده ولی فراء متعرض اختلاف قرائت در این آیه نشده است:

ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۲۵۴؛ ابو زرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۴۳؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۲۸۶؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۷، ص ۱۰۳؛ نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۵؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۱۳؛ زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۲، ص ۲۳۳؛ طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۹۰؛ ابوالفتح، ۱۳۶۶ ق، ج ۷، ص ۲۴۶؛ میدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۳، ص ۳۱۶؛ اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، ص ۴۵۴؛ کلینی، ۱۳۹۱ ق، ص ۸۸؛ قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۱، ص ۴۲۵.

۸. *وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَ أََعَزُّ نَفَرًا* (کهف/۳۴).

۹. *وَ أُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا* (کهف/۴۲).

شیخ طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۴۶۷)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می کند:

- «وَ كَانَ لَهُ ثَمَرٌ...»؛ «أُحِيطَ بِثَمَرِهِ» (در هر دو آیه به فتح ثاء و میم): قرائت ابوجعفر، عاصم، یعقوب و سهل؛

- «وَ كَانَ لَهُ ثَمَرٌ...»؛ «أُحِيطَ بِثَمَرِهِ» (در هر دو آیه با رفع ثاء و سکون میم): قرائت

ابوعمر و؛

- «وَ كَانَ لَهُ ثَمَرٌ...»؛ «أُحِيطَ بِثَمَرِهِ» (در هر دو آیه با رفع ثاء و میم): قرائت دیگر قاریان.

طبرسی به نقل از ابوعلی فارسی و وی از ابوعمر و بن علاء چنین می گوید:

"«ثُمَّ» و «ثُمَّ» انواع مال است. بنابراین هنگامی که «ثُمَّ» آسیب ببیند، «ثُمَّ» هم داخل آن می‌شود؛ زیرا ممکن نیست اصل آسیب ببیند ولی «ثُمَّ» سالم بماند. لذا طبق این معنا، قرائت «ثُمَّ» و «ثُمَّ» روشن‌تر و سازگارتر از قرائت با فتح است." (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۴۶۸)

طبری نیز قرائت رفع را ترجیح داده و قرائتی غیر از قرائت عاصم را اختیار نموده است. (طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۵، ص ۱۶۰)

لغویان معتقدند: قرائت با ضم ثاء بر انواع اموال و قرائت با فتح، بر میوه درختان دلالت دارد (ابن منظور، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۰۶). فراء صرفاً به بیان این وجه لغوی بدون داوری بین آن‌ها پرداخته است (فراء، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۴). طبیعتاً وقتی معنای لغت، ناظر به تمامی اموال یا ناظر به صرف محصول کشاورزی باشد، در مقام تفسیر، آثار مختلفی به همراه خواهد داشت. میزان تعلق فرد به دنیا و دارایی‌های آن در نوع رفتار او اثر خواهد کرد و مشاهده می‌کنیم که چگونه اختلاف قرائت در تفسیر می‌تواند اثربخش باشد. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۳۹۰؛ ابوزرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۴۱۶؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۱۴۲؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۵، ص ۱۶۰؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۲۲۳؛ زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۳، ص ۲۸۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۱؛ دانی، ۱۴۰۶ ق، ص ۹۹؛ میدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۵، ص ۶۹۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۴۶۳؛ کلینی، ۱۳۹۱ ق، ص ۱۲۵؛ قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۲، ص ۵۲.

۱۰. *حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا* (کهف/۹۳).

شیخ طبرسی در مجمع‌البیان (ج ۳، ص ۴۹۲)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

—«بَيْنَ السَّدَّيْنِ» (با فتح سین): قرائت اهل کوفه غیر از ابوبکر، ابن کثیر و ابوعمرو؛

—«بَيْنَ السَّدَّيْنِ» (با رفع سین): قرائت نافع، ابن عامر و عاصم به روایت از ابی بکر.

ابوعلی فارسی گوید:

«حفص به روایت از عاصم این کلمه را در همه جای قرآن به فتح سین قرائت نموده و

ابی بکر به روایت از عاصم در همه جای قرآن این کلمه را به رفع سین خوانده است». (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۴۹۲)

طبرسی به نقل از ابو عبیده می گوید:

«در زبان عربی هر چیزی که از قبیل کوه و دره باشد [ساخته خدای تعالی باشد]، "سَد" و آنچه انسان ها بنا می کنند، "سَد" نام دارد». (همان، طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۸ ص ۱۰۲)

کسایی بر این باور است که اختلاف در قرائت این دو واژه به دلیل تفاوت لهجه است و لذا هر دو قرائت به یک معنا هستند. (کسایی، ۱۹۹۸ م، ص ۱۸۹)

طبرسی از ابوعلی فارسی چنین نقل می کند:

«"سَد" مصدر "سَدَدْتَه سَدًا" و "سُد" اسم است؛ مانند اسمائی که میان مصدر و اسم آنها فرق وجود دارد؛ مانند "السَّقَى و السَّقَى، الشَّرْب و الشَّرْب"؛ در این صورت قرائت «بَيْنَ السُّدَيْنِ» در این آیه بهتر است، زیرا به معنای مسدود می باشد» (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۴۹۲)

یعنی اسم جامدی که مفهوم اسم مفعول دارد؛ بنابراین ابوعلی فارسی و به پیروی وی طبرسی، قرائت نافع، ابن عامر و روایت ابوبکر شعبه بن عیاش را بر روایت حفص از عاصم ترجیح دادند. اگرچه قرائت دیگر را هم صحیح می دانند، طبری هر دو قرائت را مشهور می داند و تفاوت معنایی بین دو کلمه را نمی پذیرد. (طبری، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۶، ص ۱۳)

اثر تفسیری در این اختلاف هم مشاهده می شود. به این بیان که اگر قرائت نافع را ملاک قرار دهیم، هر نوع مانع طبیعی مثل کوه را شامل می شود، اما اگر قرائت حفص ملاک باشد، صرفاً موانعی را شامل می شود که به دست انسان ساخته شده که با توجه به شرایطی که قرآن از قوم مورد نظر بیان می کند که گویای عدم تمدن خاصی برای آنهاست: *لَا يَكَادُونَ يَنْقُهُونَ قَوْلًا*، «کنایه عن بساطتهم وسذاجة فهمهم» (طباطبایی، ج ۱۳، ص ۳۶۳) نسبت به قرائت نافع مرجوح است. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده ولی فراء متعرض اختلاف قرائت در این آیه نشده است:

ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۳۹۹؛ ابوزرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۴۳۰؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۱۷۱؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۶، ص ۱۳؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۲۳۱، زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۳، ص ۳۱۰؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۸۹؛ دانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۰۰؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۱۳، ص ۳۱؛ میدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۳، ص ۶۹۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۷۴۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۱، ص ۴۹؛ اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۷، ص ۲۲۵؛ قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۲، ص ۷۵؛ عکبری، ۱۴۳۱ ق، ج ۲، ص ۸۶۰.

۱۱. *أَفْحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا*

(کهف/۱۰۲).

شیخ طبرسی در مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۴۹۵)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

«أَفْحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا» (با سکون سین و رفع باء): روایت ابوبکر از قرائت عاصم به روایت اعشی عبدالحمید ابن صالح بن عجلان برجمی تمیمی؛ ابوصالح کوفی مقری، ثقه، قرائت را از ابی بکر بن عیاش و ابی یوسف اعشی گرفته است. او در سال ۲۳۰ وفات یافت (ابن جزری، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۱۵۹) و برجمی (یعقوب بن محمد بن خلیفه ابو یوسف اعشی تمیمی کوفی، قرائت را از ابوبکر بن عیاش نقل می‌کند. ابوبکر گفته که دو بار قرآن را نزد من خواند. دانی وی را این گونه توصیف نموده است:

«امام، جلیل، ثقه و ضابط. وی حدود سال ۲۵۸ وفات یافت». (ابن جزری، ۱۴۲۹ ق، ج

۱، ص ۱۸)

و زید به روایت یعقوب است و این قرائت امیرالمؤمنین علی (ع)، ابن یعمر، مجاهد،

عکرمه، قتاده، ضحاک و ابن ابی لیلی نیز هست.

«أَفْحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا»: قرائت دیگر قاریان.

طبرسی به نقل از ابن جنی معنای این عبارت را چنین بیان می‌کند:

«ابن جنی گوید: معنای آن، آیا گمان کردند که بندگان را به عنوان اولیا برگزیدن برای آن‌ها سودی دارد؟ بلکه در این صورت افرادی مانند خود را برای عبادت برگزیده‌اند و تمام آن‌ها بندگان و مخلوقات من هستند».

فراء در معانی القرآن، قرائت «أَفَحَسِبُ الَّذِينَ كَفَرُوا» را به امیرالمؤمنین علی (ع) منتسب نموده است:

«حَدَّثَنَا ابوالعباس قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ قَالَ حَدَّثَنَا الْفَرَاءُ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ الْخَرَّاسَانِيُّ عَنْ الصَّلْتِ بْنِ بَهْرَامٍ عَنْ رَجُلٍ قَدْ سَمَاهُ عَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَرَأَ أَفَحَسِبُ الَّذِينَ كَفَرُوا». (فراء، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۱)

طبری نیز این قرائت را قرائت امیرالمؤمنین (ع) می‌داند. طبرسی به نقل از ابن جنی می‌گوید:

"«أَفَحَسِبُ الَّذِينَ كَفَرُوا»، در معنا مانند قرائت دیگر است. ولی قرائت با سکون سین در ذم بلیغ‌تر است".
وی گوید:

«أَفَحَسِبُ» (با کسر سین)، در معنا مانند «أَفَحَسِبُ» (با سکون سین) است، غیر از این که قرائت با سکون سین در ذم بلیغ‌تر بوده به این دلیل که معنای این قرائت، نهایت هدف این افراد را بیان می‌کند و قرائت دیگر این گونه نیست». (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۴۹۵)
بنابراین طبرسی در این آیه، روایت ابوبکر شعبه بن عیاش را به دلیل بلاغی ترجیح داده است. گفتنی است ابوعلی فارسی به چنین اختلاف قرائتی اشاره نکرده است. زمخشری و به پیروی از وی ابوحیان اندلسی نیز قرائت ابوبکر را اختیار نموده‌اند؛ اما طبری در مقام ترجیح، قرائت «أَفَحَسِبُ» را به معنای "آیا گمان نموده‌اند؟" اختیار کرده و دلیل آن را اجماع قاریان بر این قرائت دانسته است. (طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۶، ص ۲۶)

در این مورد هم اثر تفسیری اختلاف قرائت واضح است. بیان شدت مذمت عملکرد کافران در معبود دانستن بندگان خدا، بیانگر بار معنایی منفی ویژه برای این نوع عمل است که این شدت در قرائت ابوبکر از عاصم بیان شده و منسوب به حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) نیز هست. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

فراء، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۱؛ اخفش، ج ۲، ص ۴۹۷؛ ابوزرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۴۳۶؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۶، ص ۲۶؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۲۳۱؛ طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۹۷؛ ابوالفتح، ۱۳۶۶ ق، ج ۱۳، ص ۴۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۷۴۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۱، ص ۵۰۱؛ اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۷، ص ۲۳۰؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۳۸۷؛ دمیاطی، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۹۶؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۸۲.

۱۲. * رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنُتُمْ لَعْنًا كَبِيرًا * (احزاب/۶۸).

شیخ طبرسی در مجمع‌البیان (ج ۴، ص ۳۷۱)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

- «لَعْنًا كَبِيرًا»: قرائت عاصم؛

- «لَعْنًا كَثِيرًا»: قرائت دیگر قاریان.

فراء می‌گوید:

«لَعْنًا كَثِيرًا» قرائت عامه قاریان است؛ فقط یحیی بن وثاب و عبدالله بن مسعود «لَعْنًا

كَبِيرًا» قرائت کرده‌اند». (فراء، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۱)

ولی در منابع دیگری که این قرائات را مطرح نموده‌اند، قرائت «کبیرا» به عاصم نیز منتسب است (ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۳۹۰؛ ابوزرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۵۸۰؛ ابن خالویه، ۱۳۹۷ ق ص ۲۹۱). طبرسی با بیان خویش، به خوبی نقش این اختلاف در تفسیر را مشخص می‌کند و می‌گوید:

«ابوعلی فارسی گفته است: در این آیه قرائت «کثیرا» بهتر است؛ زیرا «کبیر» مانند «عظیم» است (دلالت بر اشد لعن دارد)»

و در این آیه مراد تکرار است و قرائت «کثیر» با این منظور سازگاری دارد (برای تکثیر لعنت کنندگان) به معنای این که ایشان به دفعات و مکرراً مورد لعن واقع می‌شوند؛ مانند گفتار خداوند متعال که می‌فرماید: * أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ * (بقره/۱۵۹)، لذا در این آیه ابوعلی فارسی و به تبع وی طبرسی قرائتی غیر از قرائت عاصم را مناسب می‌دانند و آن را ترجیح می‌دهند. طبرسی در قسمت تفسیر کتاب خود، قرائت راجح را در نظر گرفته، گوید:

«و لعنت نما آن‌ها را لعن بزرگی؛ یعنی پی‌درپی و افزون فرما بر ایشان خشمی بر خشم و غرضی بر غصب». (طبرسی، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۳۷۲)

با توجه به این که طبرسی در تبیین کلمه «کبیرا» فرمود: مرتبه‌ای پس از مرتبه‌ای دیگر و خشمی در پی خشمی دیگر و سخطی پس از سخطی دیگر - یعنی به دفعات و به کرات - این معنا با قرائت «کثیرا» سازگاری دارد، زیرا طبق گفته علمای لغت، «کبیرا» به معنای بزرگ و عظیم و «کثیرا» به معنای تعدد و تکرار است (ابن منظور، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۲۶ و ۱۳۲). ابوزرعه نیز گوید:

"«کثیرا» یعنی بسیار و پیایی و کثرت در اینجا از نظر معنا مناسب‌تر است زیرا آن‌ها را پیایی لعن می‌کنند."

طبری نیز همین قرائت را ترجیح داده است (طبری، ۱۴۱۵، ق، ج ۲۲، ص ۳۶). نحاس نیز گفته است: «کثیراً فی هذا اشیء» (نحاس، ۱۴۲۱، ق، ج ۳، ص ۲۲۵)؛ اما فراء قرائت با «کثیرا» را جایز نمی‌داند و در کتاب *معانی القرآن* چنین آمده است: «قرائت "کثیرا" را در این آیه جایز نمی‌دانیم» (فراء، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۱)؛ اما دلیلی برای این نظر خود نیاورده است. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

فراء، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۱؛ ابن مجاهد، ۱۴۲۸، ق، ص ۳۹۰؛ ابوزرعه، ۱۴۱۸، ق، ص ۵۸۰؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۵، ص ۴۸۱؛ طبری، ۱۴۱۵، ق، ج ۲۲، ص ۳۶؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴، م، ص ۲۹۱؛ نحاس، ۱۴۲۱، ق، ج ۳، ص ۲۲۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۶۵؛ دانی، ۱۴۰۶، ق، ص ۱۱۷؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶، ق، ج ۱۶، ص ۲۳؛ میدی، ۱۳۷۱، ق، ج ۸، ص ۹۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۳، ص ۵۶۲؛ دمیاطی، ۱۴۱۹، ق، ص ۳۵۶؛ کلینی، ۱۳۹۱، ق، ص ۱۵۶.

۱۳. *قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّهُمْ أَنْبَاءٌ كَذُوبٌ أَوْ آثَارٌ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ* (أحقاف/۴).

شیخ طبرسی در *مجمع البیان* (طبرسی، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۸۲)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

«أَوْ آثَارُهُ» (با سکون ثاء و بدون الف): قرائت علی بن ابی‌طالب (ع) و ابو عبدالرحمان سلمی؛

- «أَوْ أَثَرَةٍ» (با دو فتحه): قرائت عکرمه و قتاده. این قرائت به اعمش و ابن عباس نیز منسوب است (ابن جنی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۲۶۴)؛
- «أَوْ أَثَرَةٍ»: قرائت دیگر قاریان که قرائت مشهور است.

طبرسی به نقل از ابن جنی، قرائت «أَوْ أَثَرَةٍ» را ترجیح می‌دهد؛ به دلیل این که بر وزن "فَعَلَهُ" (مصدر مره) است و بر وحدت دلالت دارد؛ مانند گفته عرب که می‌گوید: «إِذَا تَوْنِي بَخْرٍ وَاحِدٍ أَوْ حَكَايَةٍ شَاذَةٍ». منظور این است که به همین مقدار با وجود این که اندک است، قناعت می‌کنم؛ اما طبری قرائت «أَوْ أَثَرَةٍ» را اختیار نموده، دلیل آن را اجماع قاریان بر این قرائت می‌داند (طبری، ۱۴۱۵، ج ۲۶، ص ۳)؛ بنابراین طبرسی به نقل از ابن جنی، قرائت منسوب به امام علی (ع) را اختیار نموده که با قرائت عاصم متفاوت است و طبری قرائتی را اختیار کرده که عاصم بدان قرائت نموده است. فراء صرفاً به بیان وجوه مختلف پرداخته، درباره رجحان داوری نمی‌کند. (فراء، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۰)

اثر تفسیری این اختلاف نیز واضح است. خداوند متعال برای این که نشان دهد شریکی برای او متصور نیست، به یک شاهد علمی در وجود شریک هم قناعت می‌کند و این وحدت شاهد را که بیانگر اطمینان او از بطلان ادعای شریک است، با لفظ «اثره» بر وزن فعله بیان می‌کند. طبیعی است که قرائت دیگر فاقد این اثر معنایی است. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده که ابوعلی فارسی به این اختلاف قرائت اشاره‌ای نکرده است:

فراء، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۰؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۲۶، ص ۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۶۸؛ نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۴، ص ۱۰۴؛ زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۴، ص ۴۳۸؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۱، ص ۲۴۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۲۶۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۸، ص ۷؛ اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۹، ص ۴۳۲؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۲۶۴؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۱۳۹؛ عکبری، ۱۴۳۱ ق، ج ۲، ص ۱۱۵۴.

۱۴. *وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا*

(طلاق/۳).

شیخ طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۳۰۲)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می کند:

- بَالِغٌ (بدون تنوین) اَمْرُهُ (جر بنا بر اضافه): روایت حفص از قرائت عاصم؛
- بَالِغٌ (با تنوین) اَمْرُهُ (با فتح): قرائت دیگر قاریان؛ از جمله ابوبکر شعبه بن عیاش از عاصم.

طبرسی به نقل از ابوعلی فارسی می گوید:

«قرائت با تنوین و نصب اسم مابعد «بَالِغٌ اَمْرُهُ» اصل است و حکایت از حال دارد. مراد طبرسی این است که طبق قواعد نحو، زمانی که اسم فاعل، مجرد از "ال"، متعدی و به معنای حال یا استقبال باشد، اصل این است که اسم بعد را بنا بر مفعول به منصوب می کند». (عقیلی، بی تا، ج ۳، ص ۷۱؛ شرتونی، ۱۴۲۴، ق، ج ۴، ص ۱۶۶)

لذا در این آیه طبق اصل، قرائت دیگر قاریان و روایت ابوبکر شعبه بن عیاش از قرائت عاصم بر روایت حفص از قرائت عاصم، ترجیح داده شده است. فراء در این اختلاف، قرائت حفص را درست می داند:

«الْقراء جميعاً عَلَى التَّنْوِينِ. وَلَوْ قُرِئَتْ: بَالِغٌ اَمْرُهُ [على الإضافة] لكان صواباً، ولو قرئ: بَالِغٌ اَمْرُهُ بالرفع لجاز». (فراء، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۳)

اما ابو زرعه و ابن خالویه نیز قرائت با تنوین را اصل می دانند. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

فراء، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۳؛ اخفش، ۱۴۲۳، ق، ج ۲، ص ۶۰۷؛ ابن مجاهد، ۱۴۲۸، ق، ص ۶۳۹؛ ابوزرعه، ۱۴۱۸، ق، ص ۷۱۲؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۶، ص ۳۰۰؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴، م، ص ۳۴۷؛ نحاس، ۱۴۲۱، ق، ج ۴، ص ۲۹۷؛ زجاج، ۱۴۲۸، ق، ج ۵، ص ۱۸۴؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۸؛ دانی، ۱۴۰۶، ق، ص ۱۳۴؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶، ق، ج ۱۹، ص ۲۷۱؛ میدی، ۱۳۷۱، ق، ج ۱۰، ص ۱۴۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۴، ص ۵۵۶؛ اندلسی، ۱۴۲۰، ق، ج ۱۰، ص ۱۹۹؛ ابن جنی، ۱۴۱۹، ق، ج ۲، ص ۳۲۴؛ قیسی، ۱۳۹۴، ق، ج ۲، ص ۳۸۴؛ عکبری، ۱۴۳۱، ق، ج ۲، ص ۱۲۲۷.

نتیجه

از مطالب و مباحث مطرح شده چند مطلب نتیجه گرفته می‌شود:

- (۱) عالمان تفسیر و قرائت در ارزیابی قرائت‌های مشهور، بدون تعصب بر قرائتی خاص، با تکیه بر قواعد مشهور ادبی، به تضعیف یا ترجیح قرائت‌ها پرداخته‌اند.
- (۲) مطابق روایت «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۶۳۰)، حتی در صورت امکان توجیه و جوه مختلف ادبی، بنا بر اصل فصاحت قرآن، وجهی که بر اساس قواعد ارجح است تعیین در نزول پیدا می‌کند.
- (۳) در برخی موارد، قرائت شاذ بر سایر قرائات ترجیح داده شده که مؤید دیدگاه عدم ضرورت تمرکز بر قرائت‌های هفت‌گانه مشهور است! به این معنا که شهرت هفت قرائت مبنای علمی دقیقی ندارد و غالباً عوامل سیاسی - اجتماعی به این مسأله منتهی شده است.
- (۴) در مواردی که قرائت حفص از حیث ادبی خلاف قواعد مشهور ادبیات عرب است، نوعاً به ضرب المثل «خویش را تأویل کن نی ذکر را» تمسک می‌شود؛ به این معنا که تنها قرآن معیار سنجش قواعد ادبیات عرب و فصاحت و بلاغت است و نباید در صورت اختلاف، به توجیه قرآن پردازیم. در مورد این نکته باید توجه کنیم که با توجه به اختلاف قرائت موجود، نمی‌توان اختلاف با قاعده مسلم ادبیات را به سادگی نادیده گرفت. نبود نقطه و اعراب در خط کوفی و تدارک آن در مقاطع بعد و وجود اختلاف، شاهد مناسبی است که در صورتی که بتوان قرائتی را همسو با قواعد عرب پیدا کرد، نباید به پذیرش قرائتی اصرار داشت که مخالف آن قاعده است. این نکته با توجه به بررسی صورت گرفته در قرائت حفص به صورت متعدد یافت می‌شود و خود دلیلی بر لزوم اخذ به قرائت اصح در مورد اختلاف است.
- (۵) متعین شدن قرائت بر اساس قواعد عربی، می‌تواند از حیث کلامی هم در آیاتی که محل اختلاف است، به اختلافات فریقین پایان دهد؛ چرا که در رجحان ادبی بر اساس قواعد، اختلافی وجود ندارد و وقتی آیه‌ای از این جهت راجح تشخیص داده شد، لوازم خود اعم از مباحث فقهی و کلامی را هم صاحب رجحان می‌کند - حکم «الامثال فیما یجوز و فیما لایجوز واحد».

- ۶) تأثیر اختلاف قرائت در مباحث تفسیری در موارد زیادی از این اختلافات انکارناپذیر است که به برخی از آنها اشاره شد.
- ۷) با توجه به مباحث مطرح شده، مناسب است ملاک اولویت انتخاب قرائت در تفسیر، قواعد مسلم عربی باشد نه شهرت قرائت؛ چراکه قطعاً رجحان این قواعد بر شهرت که منطق استواری ندارد و نوعاً اقتضائات سیاسی- اجتماعی منجر به آن شده، بیش تر است.



منابع

قرآن کریم.

ابن جَنِّي، عثمان (۱۴۱۹ ق)، المحتسب في تبیین وجوه شواذ القرائات و الإيضاح عنها، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن خالویه، حسن بن احمد (۱۳۹۷ ق)، الحجة في القرائات السبع، به کوشش عبدالعال سالم مکرم چاپ دوم، بیروت/ قاهره: دارالشروق.

ابن خالویه، حسن بن احمد (۱۹۳۴ م)، مختصر في شواذ القرآن، قاهره، بی‌نا.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن مجاهد، احمد بن موسی (۱۴۲۸ ق)، کتاب السبعة في القرائات، به کوشش جمال‌الدین محمد شرف، طنطا: دارالصحابة للتراث.

ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا)، لسان العرب، بیروت، بی‌نا.

ابو البقاء، عبدالله بن حسین عکبری (۱۴۳۱ ق)، التبیان فی اعراب القرآن، بیروت: عالم الکتب.

ابوالفتح عثمان بن جنی الموصلي (۱۴۲۰ ق)، المحتسب في تبیین وجوه شواذ القرائات و الإيضاح عنها، بغداد: المجلس الأعلى للشئون الإسلامية.

ابوعلی فارسی، حسن بن احمد (۱۴۰۳ ق)، الحجة في علل القرائات السبع، به کوشش علی نجدی ناصف، عبد الحليم نجار و عبد الفتاح شلبي، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۳۶۶ ق)، روض الجنان و روح الجنان، مشهد، بی‌نا.

اخفش، سعید بن مسعده (۱۴۲۳ ق)، معانی القرآن، به کوشش ابراهیم شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.

اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر.

دانی، عثمان بن سعید (۱۴۰۶ ق)، التیسیر فی القرائات السبع، به کوشش اوتو پرتسل، بیروت: دارالکتب العربی.

دمیاطی، شهاب‌الدین احمد بن محمد (۱۴۱۹ ق/ ۱۹۹۸ م)، اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعه عشر، بیروت: دارالکتب العلمیه.

زجاج، ابراهیم بن محمد (۱۴۲۸ ق)، معانی القرآن و إعرابه، به کوشش احمد فتحي عبدالرحمان، بیروت: دارالکتب العلمیه.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.

سجستانی، ابی داود (۱۴۲۳ ق/ ۲۰۰۲ م)، المصاحف، تحقیق: محمد عبده، قاهره: الفاروق الحديثة.

سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۳۱۲ ق)، تفسیر الجلالین، مصر، بی‌نا.

شرتونی، رشید (۱۴۲۴ ق)، مبادی العربیة (قسم النحو)، به کوشش حمید محمدی، قم: دارالعلم.

شمس‌الدین ابوالخیر ابن الجزری، محمد بن محمد بن یوسف (۱۴۲۹ ق)، النشر فی القرائات العشر، قاهره: دارالصحابه للتراث.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۶ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسوه.
طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ ق)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق: صدقی جمیل العطار، بیروت، بی‌نا.
طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عبدالرحمان بن محمد، ابو زرعة ابن زنجلة (۱۴۱۸ ق)، حجة القرائات، بیروت: دارالکتب العلمیه.
عبدالله جمال‌الدین بن یوسف بن احمد بن عبدالله بن هشام، (۱۴۰۴ ق)، مغنی اللیب عن کتب الاعراب، قم: منشورات مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی.

عقیلی، عبدالله بن عقیل (۱۴۰۰ ق)، شرح ابن عقیل علی الفیه ابن مالک، قاهره: دارالتراث.
علی بن حمزه بن عبدالله الأسدی بالولاء، ابو الحسن الکسانی (۱۴۱۸ ق)، مشتهات القرآن، قاهره: دار قباء.
عمرو بن عثمان بن قنبر الحارثی بالولاء، ابو بشر، الملقب سبیوه (۱۴۰۸ ق)، الکتاب، قاهره: مکتبه الخانج.
فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی.
فراء، یحیی بن زیاد (بی‌تا)، معانی القرآن، تحقیق: محمد علی نجار، بیروت: دارالسور.
قاضی، عبدالفتاح (۱۴۲۶ ق)، البدور الزاهرة فی القرائات العشر المتواترة من طریق الشاطیة و الدرقة، قاهره: دارالسلام.
قیسی، مکی بن ابی طالب (۱۳۹۴ ق/ ۱۹۷۴ م)، الكشف عن وجوه القرائات و عللها و حججها، تحقیق: محیی‌الدین رمضان، دمشق: مجمع اللغة العربیة.

کاظمی، سید محسن (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، «بررسی دلایل تواتر قرائات رایج»، مجله مطالعات قرآنی، شماره ۳.
کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۹۱ ق)، الکافی، ترجمه و شرح: سیدجواد مصطفوی، تهران: المکتبه الاسلامیه.
مؤدب، سید رضا و سید محمد سجادی (پاییز و زمستان ۱۳۹۸)، «ارزیابی تواتر قرائات از دیدگاه آیت‌الله فاضل لنکرانی»، مجله مطالعات قرآنی، شماره ۱۳.
مؤدب، سید رضا و علی‌رضا محمدی فرد (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، «بررسی انگاره تواتر قرائات»، مجله مطالعات قرآنی، شماره ۲.

میبدی، رشیدالدین (۱۳۷۱ ش)، کشف الاسرار و عدّة الابرار، تهران: امیرکبیر.
نحاس، ابوجعفر احمد بن محمد (۱۴۲۱ ق)، اعراب القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.

References

Holy Quran

- Abu Ali Farsi, H. (1403 AH/3). *Al-Hujjat fi 'ilal al- qara'at al-sab'*. Compiled by A. Najdi Nasef, A. H. Najjar & A. F. Shalabi. Cairo: Al-Heiat al-Misriyyah al-Aammah li-l Kitab. [In Arabic].
Abu Zara b. Zanjala, A. R. (1418 AH/1997). *Hujjat al-qara'at*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].

- Abul Futuh Razi, H. (1366 AH/1987). *Rawd al-jinan wa ruh al-jinan*. Mashhad: n.p. [In Arabic].
- Abul Hasan al-Kasaie, A. (1418 AH/1997). *Mushtahiyat al-Quran*. Cairo: Dar Qaba. [In Arabic].
- Akhfash, S. (1423 AH/2002). *Ma'ani al-Quran*. Compiled by I. Shamsuddin. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Al-Harithi Basari, U. (Sibawayh). (1408 AH/1988). *Al-Kitab*. Cairo: Maktabat al-Khanij. [In Arabic].
- Andalusi, A. H. M. (1420 AH/1999). *Al-Bahr al-muhit fi al-tafsir*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Aqli, A. (1400 AH/1980). *Sharh ibn Aqil Ali al-Fayh b. Malik*. Cairo: Dar al-Turath. [In Arabic].
- Damyati, S. D. A. (1419 AH/1998). *Ithaf fudala' al-bashar fi al-qara'at al-arba'at 'ashar*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Dani, U. (1406 AH/1986). *Al-Tayseer fi al-qara'at al-sab'*. Compiled by O. Pretzl. Beirut: Dar al-kitab al-Arabi. [In Arabic].
- Fakhr Razi, M. (1420 AH/1999). *Mafatih al-ghayb*. Beirut: Maktab Tahqiq Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Farra, Y. (n.d.). *Ma'ani al-Quran*. research by M. A. Najjar. Beirut: Dar al-Suroor. [In Arabic].
- Ibn Hashim al-Ansari, A. J. D. (1404 AH/1984). *Mughni al-labib 'an kutub al-a'aareeb*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. [In Arabic].
- Ibn Jazari, S. D. (1429 AH/2008). *Al-Nashr fi al-qara'at al-'ashar*. Cairo: Dar al-Musahabat li-l Turath. [In Arabic].
- Ibn Jinni, U. (1419 AH/1998). *Al-Muhtasab fi tabyeen wujuh shawwaz al-qara'at wa al-idah 'anha*. Compiled by M. Abdul Qadir Ata. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Ibn Kathir, I. (1419 AH/1998). *Tafsir al-Quran al-azim*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Ibn Khalwiyah, H. (1387 SH/2008/). *Al-Hujjat fi al-qara'at al-sab'*. Compiled by A. A. Salim Mukarram, 2nd ed. Cairo: Dar al-Shurooq. [In Arabic].
- Ibn Khalwiyah, H. (1934). *Mukhtasar fi shawwaz al-Quran*. Cairo: n.p. [In Arabic].
- Ibn Manzour, M. (n.p.). *Lisan al-'Arab*. Beirut: n.p. [In Arabic].
- Ibn Mujahid, A. (1428 AH/2007). *Kitab al-sab'ah fi al-qara'at*. Compiled by J. D. Muhammad Sharaf. Tanta: Dar al-Sahabah li-l Turath. [In Arabic].
- Jinni al-Mowsili, A. F. U. (1420 AH/1999). *Al-Muhtasab fi tabyeen wujuh shawwaz al-qara'at wa al-idah 'anha*. Baghdad: al-Majlis al-Aala li-l Shuoun al-Islamiyyah. [In Arabic].
- Kazemi, M. (1393 SH/2014). Barrasi-yi dala'il-i tawatur-i qara'at-i rayij. *Studies of Quran Reading*, 2(3), 75-101. [In Persian].
- Kulayni, M. (1391 AH/2012). *Al-Kafi*. (J. Mustafawi, Trans. & commentary). Tehran: Al-Maktabat al-Islamiyyah. [In Arabic].
- Mabidi, R. D. (1371 SH/1993). *Kashf al-asrar wa 'iddat al-abrar*. Tehran: Amir Kabir. [In Arabic].
- Moaddab, R. Mohammadi Fard, A. R. (1393 SH/2014). Barrasi-yi ingare-yi tawatur-i qara'at. *Studies of Quran Reading*, 2(2), 9-40. [In Persian].

- Moaddab, R., & Sajjadi, M. (1398 SH/2019). Evaluating the successiveness of (tawatur) of the Quranic qiraat from the viewpoint of Ayatollah Fazel Lankarani. *Studies of Quran Reading*, 7(13), 91-106. [In Persian].
- Nuhas, A. (1421 AH/2000). *I'rab al-Quran*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Qadi, A. F. (1426 AH/2005). *Al-Budur al-zahira fi al-qara'aat al-'ashar al-mutawatirah min tariqay al-Shatibiyyah wa la-Durrah*. Cairo: Dar al-Salam. [In Arabic].
- Qaysi, M. (1394 SH/1974). *Al-Kashf 'an wujuh al-qara'aat wa 'ilaliha wa hujajiha*. Research by M. D. Ramadan. Damascus: Majma al-Lughat al-Arabiyyah. [In Arabic].
- Sajistani, A. D. (1423 AH/2002). *Al-Masahif*. Research by M. Abdoh. Cairo: Al-Farouq al-Hadithah. [In Arabic].
- Shartuni, R. (1424 AH/2003). *Mabadi al-'Arabiyyah* (qisam al-nahw). Compiled by H. Muhammadi. Qom: Dra al-Ilm. [In Arabic].
- Suyuti, A. R. (1312 AH/1895). *Tafsir al-Jalalayn*. Egypt: n.p. [In Arabic].
- Tabari, M. (1415 AH/1995). *Jami' al-bayan 'an ta'wil aay al-Quran*. research by S. J. al-Attar. Beirut: n.p. [In Arabic].
- Tabarsi, F. (1426 AH/2005). *Majma' al-bayan fi tafsir al-Quran*. Tehran: Usweh. [In Arabic].
- Tusi, M. (n.p.). *Al-Tibyan fi tafsir al-Quran*. compiled by A. H. Qasir Ameli. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Ukbary, A. B. A. (1431 AH/2010). *Al-Tibyan fi i'rab al-Quran*. Beirut: Aalam al-Kutub. [In Arabic].
- Zajaj, I. (1428 AH/2007). *Ma'ani al-Quran wa i'rabihi*. Compiled by A. Fathi Abdul Rahman. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Zamakhshari, M. (1407 AH/1987). *Al-Kashshaf 'an haqa'iq ghawamid al-tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی